

جشن فرخنده فروردین است روز بازار گل و نسرين است

سرچشمه فرهنگ ایرانی، زیبایهاست

بی هیچ گزافه گویی، فرهنگ هیچ کشوری بمانند ایران توانمند نیست که دارای سرچشمه هایی سرشار از زیبایها و شیواییها و ملامال از پرتوهای پرفروغ دلپذیری و دلنشینی است.

گذشته از جشن مهرگان که روز چیرگی کاوه آهنگر بر اژی دهاک ماردوش تازی است، نوروز یکی دیگر از جشنهای شکوهمند ماست که با سبزه و گل و شکوفایی جهان هستی آغاز میشود که نخستین را از آن فریدون و دومی را از آن جمشید میدانند.

چون در باره آن بارها در روزنامه سخن به میان آمده و با ریزه کاریها این روز خجسته نگاشته شده است، این بار تنها چند رسم جان افروز و فرخنده و نمادین آنرا به گونه ای فشرده یادآوری میکنیم.

نوروز، جشن نیایش ایزد رپیتوین

یکی از اندیشه هایی که در باره نوروز یافت میشود آن است که "ایزد رپیتوین" که فرمانروای گرمای نیمروز و تابستان است، با تازش اهریمن سرما، بیدرنگ خود را در زیر زمین جا میدهد تا آبهای زیرزمینی را گرم و گوارا نگهدارد و گیاهان و درختان و سبزه ها نمیرند و ریشه ها همچنان زنده بر جای بمانند.

او در نوروز برمیگردد و جشن بزرگ پیروزی نیکی بر بدی و بهار بر زمستان و شکوفایی درختان و گلها و سبزه ها آغاز میشود.

از این رو نوروز را جشن پیروزی مینامند و در شادباشها همواره میگویند: نوروزتان پیروز باد.

جشن فروهرها

نوروز نماد دل انگیز سالگرد بیداری جهان هستی از خواب زمستانی، جشن فروهرها نیز میباشد که از آسمان به خانه های خویش برمیگردند تا در شادی و پایکوبی خانواده خویش همداستانی و همدلی و همراهی کنند.

فروهرها، روان مردگان خانواده میباشدند که سالی یکبار در نوروز به آغوش خانواده بازمیگردند. از این رو باید خانه پاک و آب و جارو شده باشد و همه چیز در اوج آراستگی و پیراستگی برای پذیرایی فروهرها آماده باشند. اگر خانه ای از پاکیزگی و درخشندگی برخوردار نباشد، فروهرها روی برمیگردانند و برمیگردند و بدینگونه شادی و خوشی و فراوانی را که با خود آورده بودند، میبرند.

در نوروز باید چراغها روشن، خانه پاک، جامه ها نو، سدای ساز و نوای دل انگیز در همه جا تنین انداز باشد تا آنها با شور و خشنودی گام در خانه نهند.

جشن چیرگی اهورا بر اهریمن

یکی دیگر از نمادهای نوروزی، چیرگی اهورا بر اهریمن و یا به سخنی دیگر جشن پیروزمندی نیکبها و خوببها و شایستگیها بر زشتبها و بر بدبها و نابه هنجاریهاست. بدینگونه که در درازای دوازده ماه، دوازده تن از یاران اهریمن به دستور او دوازده ستونی را که بر آن جهان برپا و استوار میباشد، میجوئند تا آنرا سرنگون سازند. در روزهای پیش از نوروز، ستونها به لرزش درمی آیند و بیم فرو ریختن آنها میرود. از این رو همه آنها شاد و سرمست میشوند که جهان رو به نابودی است. آنها برای پایکوبی و دست افشانی به زمین می آیند و چون بازمیگردند همه ستونها را از نو استوار بر جای خویش میبینند.

این داستان به خوبی، نماد شورانگیزی از نبرد گسترده میان یاران و همدلان اهورا با همکاران و همراهان و دوستان اهریمن است که سرانجام نیکبها بر بدبها در نوروز چیره میشود و اهریمن و یارانش شکست میخورند.

یادگارهای نمادین نوروز

در پیش و هنگام نوروز، رسم هایی یافت میشوند که بر درخشندگی و زیبایی این روز میافزایند که چنینند:

۱ - سبزه رویاندن: در پیش از نوروز، ایرانیان در خانه های خود سبزه میکاشتند که بر دوازده و یا شش ستون از خشت خام بود. چنین کاری نماد باروری و فراوانی بود. دانه هایی را که میکاشتند گندم، جو، لوبیا، نخود، کنجد، ماش، مرجمک (عدس) ... بودند.

سوی کاشتن، آنها را بر سر خوان هفت سین نیز میگذاشتند تا فراوانی به خانه روی بیاورد.

۲ - هفت سین: امروز بر خوان نوروزی هفت چیز که با سین آغاز میشوند، میگذارند که باید همان هفت سینی از دانه هایی باشند که برای رویاندن کاشته میشوند. این هفت سینی کم کم جای خود را به هفت چیزی که با سین آغاز میشوند، داده است.

گروهی بر این باورند که در نخست، هفت شین بوده است که در سروده های گویندگان نیز بازتابهایی دارند.

۳ - از آنهای دیگری که بر سر خوان نوروزی گذاشته میشوند که هرکدام دارای درونمایه نمادینی دل انگیزند، آیین، تخم مرغ، آتش فروز (شمع) و شماله دان (شمعدان)، آتشدان، چراغ، شیر، پنیر، گل بیدمشک، دانه های سپند، گل نسرین و یاسمن و نسترن، نان، سبزه ... میباشد.

ایرانیان پاک نژاد بر خوان نوروزی اوستا و یا تنها گاتهای زرتشت را میگذارند که جز از پاکي و نيكي و مهر و گذشت و بردباري و ياري به ديگران، سخن نميگويد و امروز در کنار آن، شاهنامه فردوسی و حافظ را هم میگذارند که آنها را با شگون و نیک میدانند.

ایرانیان بر این باورند که هرکس بر خوان نوروزی خود، نوشته و یا نسکی (کتاب) که در آن از بدی و زشتی سخن به میان آمده باشد و دستورهای نامردمی در آن باشد، بگذارد، بدبختی و سیه روزی در همه سال گریبانگیر او و خانواده اش خواهند شد و سالی پر از دشواری و ناکامی چشم به راهشان خواهد بود.

نوروزتان خجسته باد

خجسته بود پیش فرزندگان	که نوروز این روز آزادگان
که مرزش بر او باد بیش از هزار	ز جمشید جم ماند این یادگار
ستایشگرند اندر این روز و شب	به زرتشت و بر خاک آذرگشسب
نیایش به درگاه یزدان کنند	به نوروز، آذر فروزان کنند
به ما باز گردد همه فرهی	زمانه ز بیداد گردد تهی
زدوده شود سستی و کاستی	به گیتی شود رهنمون راستی
نماند به جا کاخ بیدادگر ^۱	به فرمایش ایزد دادگر

۱۴۰۰ سال است که همه نمادهای شکوهمند فرهنگی و تاریخی از سوی دین داران تازی پرست اسلام و شیعه گری لگدمال گردیده و آیت الله ها کوشیده اند تا جایکه بتوانند این زیباییها را از چنگ ایرانیان بدر آورند، بسا که سالروز مرگ تازی برهنه پایی را همزمان با جشنهای ملی ما بمیان آورده اند تا این شادی های بزرگ را سرکوب کنند و یا در سالروز مرگ بزرگان ما جشن و سروری از تازیان بر پا میدارند که مردم ایران را از ریشه و بن فرهنگی خود جدا سازند. بکوشیم تا این ارزشهای فرهنگی و تاریخی را زنده نگاهداریم و دریابیم که آخوند دشمن آشتی ناپذیر ایران و ایرانی و فرهنگ و تاریخ ما است.

این آداب و زبان و فرهنگ ایرانی است که در درازای تاریخ توانسته است بر دشمنان میهن ما چیره شود.

۱- پیام ما آزادگان؛ شماره ۲۸۷، ۲۲ اسفندماه ۲۷۰۳ ایرانی برابر با ۱۲ مارس ۱۹۹۶.